موضوع: نقد مسیر پیامبری، روش شناسی بحث

استناد به قرآن در مساله حقیقت پیامبری

در جلسات قبل گفته شد از جمله آیاتی که بیان می کند، پیامبر فرستاده الهی است و قرآن کریم از سوی خدای متعال نازل شده است، آیات خطابیه است.

آیات خطابیه

این آیات از سه جهت بر این مطلب دلالت دارند:

* اصل اولی و عقلایی این است که خطاب کننده غیر از خطاب شونده است؛ گرچه مخاطب قرار دادن خویش هم در میان عقلا متعارف است اما اولا: این اصل ثانوی است؛ ثانیا: این امر در خلوت خویش متعارف است، اما بیان آن در میان عموم نه تنها متعارف نیست، بلکه قبیح است.

گفته شد ممکن است گفته شود همین اشکال بر دیدگاه شما که قرآن را کلام الهی می دانید نیز وارد است زیرا کلمات قل در آن نیز آمده است. گفته شد بیان این قل ها در قرآن کریم یک وجه حکمی عقلایی دارد و لذا امری حسن می کند و آن بیان تسلیم بودن پیامبر گرامی اسلامی (ص) در برابر وحی الهی است.

* قرینه سیاق که در بر اساس آیات قبل و بعد از آن شکل می گیرد نشان می دهد این آیات از سوی خداوند نازل شده است .
* مضمون برخی از این آیات به گونه ای است که گوینده آن نمی تواند پیامبر اکرم (ص) باشد.

دسته ای از آیات خطابیه که در آنها کلمه «قل» به کار رفته بود در جلسه گذشته بیان شد. دسته دیگر از آیات خطابیه آیاتی است خطاب در آنها آمده اما لفظ «قل» نیامده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. آیه 186 سوره بقره: « وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادي عَنِّي فَإِنِّي قَريبٌ أُجيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجيبُوا لي‏ وَ لْيُؤْمِنُوا بي‏ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُون‏»

2. آیه 45 سوره ص: « وَ اذْكُرْ عِبادَنا إِبْراهيمَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدي وَ الْأَبْصار»

3. آیه 49 و 50 سوره حجر: « نَبِّئْ عِبادي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحيمُ (49) وَ أَنَّ عَذابي‏ هُوَ الْعَذابُ الْأَليمُ »

4. آیه 34 سوره انبیا: « وَ ما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَ فَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُون‏»

5. سوره کوثر: « إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ (1) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ (2) إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ »

6. سوره انشراح: « أَ لَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (1) وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ (2) الَّذي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (3) وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ »

7. آیه 50 سوره احزاب: « يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنا لَكَ أَزْواجَكَ اللاَّتي‏ آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَ ما مَلَكَتْ يَمينُك‏»

8. آیه 60 سوره اسراء: « وَ إِذْ قُلْنا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحاطَ بِالنَّاسِ وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتي‏ أَرَيْناكَ إِلاَّ فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَما يَزيدُهُمْ إِلاَّ طُغْياناً كَبيراً »

9. آیه 29 سوره احقاف : « وَ إِذْ صَرَفْنا إِلَيْكَ نَفَراً مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلى‏ قَوْمِهِمْ مُنْذِرين‏»

10. آیه آمن الرسول: « آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ الْمَصير»

استناد به روایات در مورد حقیقت پیامبری

روایات در این باره نیز دو دسته است: روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) صادر شده است و روایاتی که از سایر معصومین (ع) نقل شده است.

دسته اول: روایات پیامبر اکرم (ص)

1. پیامبر اکرم (ص) نخستين بار كه در مدينه بنماز جمعه ايستاد از پس نماز اين خطبه را ادا فرمود: « الحمد للَّه أحمده و أستعينه و أستغفره و أستهديه أؤمن به و لا أكفره و أعادي من يكفره و أشهد أن لا إله إلّا اللَّه وحده لا شريك له و أن‏ محمّدا عبده و رسوله أرسله بالهدى و النّور و الموعظة على فترة من الرّسل و قلّة من العلم و ضلالة من النّاس و انقطاع من الزّمان‏».[[1]](#footnote-1)

این روایت نشان می دهد که آن حضرت در مساله وحی، سر سوزنی از خود دخالت نمی کردند و نقل به معنا هم نمی کردند، بلکه عین عبارات را نقل می کردند. اولین کسی که به نبوت پیامبر ایمان می آورد خود آن حضرت است.

2. پیامبر اکرم (ص) قبل از جنگ احد در خطبه ای فرمودند: « أيّها النّاس أوصيكم بما أوصاني به اللَّه في كتابه من العمل بطاعته و التّناهي عن محارمه فإنّ جهاد العدوّ شديد شديد كريه قليل من يصبر عليه إلّا من عزم على رشده».[[2]](#footnote-2)

معنای لااکراه فی الدین

برخی معنای «لا اکراه فی الدین» را نادرست فهمیده اند و به همین خاطر اشکالاتی را مطرح کرده اند. معنای لا اکراه فی الدین این نیست که در دین مشقت و کلفتی نیست، چرا که دستوراتی مانند جهاد، روزه، نماز صبح، زکات و خمس و مانند آن همه دارای کره و زحمت است. معنای آیه این نیست که تکلیف سخت در دین و قرآن نیامده است. اساسا تکلیف همواره با کلفت و سختی همراه است.

دین در آیه «لا اکراه فی الدین» همان طور که علامه طباطبایی فرموده اند به معنای تدین است نه دین اصطلاحی. در قرآن کریم دین دارای چندین کاربرد است. یکی از آنها به معنای جزا است: « مالک یوم الدین». معنای دیگر آن تدین است یعنی التزام قلبی به دین. در آیه لا اکراه فی الدین نیز دین به همین معنا یعنی تدین است و معنای آن است که التزام قلبی به دین اکراه بردار نیست. سخن قرآن در اینجا نهی نیست، بلکه نفی است، یعنی اصلا تدین از آنجا که امری قلبی است اکراه بردار نیست. بعد در ادامه آیه فرموده است: «قد تبین الرشد من القی» آنچه قابل تبیین است بیان راه سعادت و شقاوت است، اما تدین به عهده خود فرد است که آن را انتخاب کند. بنابراین ایمان آوردن امری زوری و اجبار بردار نیست. قرآن می فرماید: « قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإيمانُ في‏ قُلُوبِكُم‏»[[3]](#footnote-3): برخى از باديه‏نشينان گفتند: ايمان آورديم. به آنها بگو: شما ايمان نياورده‏ايد، بلکه بگوييد: اسلام آورديم، چون هنوز در دلهاى شما ايمان داخل نشده است‏. آنچه می توان اجبار کرد، ایمان آوردن زبانی است اما ایمان قلبی اجبار بردار نیست.

3. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: « إنّ اللَّه أوحى إليّ أن تواضعوا حتّى لا يفخر أحد على أحد و لا يبغي أحد على أحد»[[4]](#footnote-4)

4. و فرمودند: « إنّ اللَّه أمرني بمدراة النّاس كما أمرني بإقامة الفرائض».[[5]](#footnote-5)

5. و فرمودند: « إنّ اللَّه تعالى لم يبعثني معنّتا و لا متعنّتا و لكن بعثني معلّما ميسّرا»[[6]](#footnote-6): خداوند مرا اشكال گير و اشكال‏تراش نفرستاده بلكه آموزگار و آسانگير فرستاده است.

6. و فرمودند: « إنّ ربّي أمرني أن يكون نطقي ذكرا و نظري عبرا»[[7]](#footnote-7): پروردگارم بمن فرمان داده كه سخنم ذكر باشد و نظرم مايه عبرت.

7. و فرمودند: « إنّما بعثت لأتمّم مكارم الأخلاق»[[8]](#footnote-8): من مبعوث شدم تا فضائل اخلاق را بكمال رسانم.

8. و فرمودند: « و اللَّه الّذي لا إله إلا هو إنّي لرسول اللَّه إليكم خاصّة و إلى النّاس كافّة »[[9]](#footnote-9): بآن خدا كه خدائى جز او نيست، من فرستاده خدايم بسوى شما خصوصا و سوى مردم عموما.

9. و فرمودند: « و لتحاسبن بما تعلمون و لتجزون الاحسان إحسانا و بالسوء سوءا»

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. نهج الفصاحه، ص 809- 810 [↑](#footnote-ref-1)
2. نهج الفصاحه، ص 813 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حجرات، آیه 14 [↑](#footnote-ref-3)
4. نهج الفصاحه، ص 290، ح 678 [↑](#footnote-ref-4)
5. نهج الفصاحه، ص 290، ح 677 [↑](#footnote-ref-5)
6. نهج الفصاحه، ص 301، ح 725 [↑](#footnote-ref-6)
7. نهج الفصاحه، ص 326، ح 852 [↑](#footnote-ref-7)
8. نهج الفصاحه، ص 345، ح 944 [↑](#footnote-ref-8)
9. نهج الفصاحه، ص 807 [↑](#footnote-ref-9)